

محیط زیست در آثار نه ویدئوآرتیست ایرانی

Dokuz İranli Video Sanatçısının Eserlerinde Çevre

Environment in the Works of Nine Iranian Video Artists

Hajar Babazadeh 

Abant İzzet Baysal Üniversitesi,
Güzel Sanatlar Fakültesi, Temel
Sanat ve Eğitim Bölümü, Bolu,
Türkiye

چکیده

از سال ۱۳۷۷ در ایران تحولاتی در مفهوم هنر و ساختار زیبایی به وجود آمد و ازین رهگذر استفاده از رسانه‌های جدید مثل ویدئو و توجه به مسائل انسانی و اجتماعی رایج شد. هنر جدید برآن شد تا همواره بر دعوی خود نسبت به موضوع‌های جهانی همچون محیط زیست، فجایع انسانی و... پافشاری ورزد.

آنچه در این تحقیق بررسی شده توجه به مسئله محیط زیست در هنر جدید توسط هنرمندان ویدئوآرت در ایران است. در این مقاله به بررسی نه اثر از پروژه کوله ویدئو مربوط به سایت ویدئوآرتیست پرداخته شده است و نگاهی دارد بر چگونگی توجه هنرمندان معاصر به محیط زیستشان. از طریق این بررسی می‌توان به نتایج درخور توجهی چون موضوع‌های مدنظر هنرمندان معاصر ایران در هنر ویدئو، رویکردهای هنرمندان در رابطه با محیط زیست، روش‌های به‌کارگیری بیان هنری و آشکارشدن بافتار محیطی، شهری و روانی جامعه رسید.

در پایان این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که این هنرمندان با رویکردهای انتقادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فلسفی و روانی به مسائل محیط زیست می‌نگردند و در پی مواجهه و ارتباط با محیط زیست از طریق پرسپکتیوهای شخصی هستند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. رابطه هنرمند با طبیعت، ۲. رابطه هنرمند با زیباگان، ۳. رابطه هنرمند با شهر، ۴. رابطه هنرمند با انسان و جامعه.

در بررسی این آثار ویژگی‌های هنر معاصر چون عناصر استتیک کیچ، کلاژ، ردی مید و از آن خودسازی مشاهده می‌شود و استفاده از کنتراست‌ها، توجه به محتوا بیشتر از فرم، به کاربردن استتیک‌های کیچ و معوج و موقعیت‌های بی‌زمان و بی‌مکان راهکارهایی هستند که هنرمندان برای نمایان کردن بحران‌های زیست‌محیطی و بیان انتقادی و در نتیجه ایجاد آگاهی به کار گرفته‌اند.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کیفی و با رویکرد تصویری انجام شده است. نحوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مشاهده و بررسی آثار هنرمندان از طریق منابع الکترونیکی بوده است.

کلمات کلیدی: هنر معاصر ایران، ویدئوآرت ایران، هنرمند و محیط

öz

1998 yılından itibaren İran sanatında kavram ve estetik açısından derin değişiklikler ortaya çıktı ve bu sayede video gibi yeni medyumların kullanımı, sosyal ve insani konuların ele alışı yaygınlık kazandı. Yeni Sanat'ın misyonu küresel çevre sorunları ve insani facialar gibi evrensel konuları hakkında davasını sürdürmektedir. Bu araştırmanın konusu İran video sanatçılarının eserlerinde çevre sorununa dikkat çekmesidir. Araştırmada Video Artist¹ sitesine ait olan Kule Video Projesinden seçilen 9 sanatçının eseri ele alınmıştır ve çağdaş sanatçıların çevre konusunu işleyiş biçimleri incelenmiştir. Yapılan araştırma neticesinde İran çağdaş sanatçıların video sanatında ilgi alanları, sanatçıların çevreyle ilgili yaklaşımları, sanatsal ifade biçimleri ve sonuç olarak toplumun çevresel, kentsel ve psikolojik bağlamının ortaya çıkması incelenmiştir.

Söz konusu sanatçılar çevre sorunlarını eleştirel, sosyal, kültürel, politik, felsefi ve psikolojik yaklaşımlarla ele alıyor, kişisel deneyimlerinden ve bakış açılarından hareketle çevre ile ilişkisini dört başlık altında inceliyor: 1. Sanatçının bitki ve doğa ile ilişkisi². Sanatçının Hayvanlar ile ilişkisi³. Sanatçının kentle ilişkisi 4. Sanatçının insan ve toplum ile ilişkisi. Yapılan araştırmaya göre söz konusu sanatçılar eserlerinde Çağdaş Sanatın özellikleri olan kiç⁴, kolaj⁵, hazır nesne⁶, kendine mal etme⁷, biçimcilikten daha ziyade kavramsallık gibi estetikler kullanmışlardır. Bunların yanı sıra zıtlıklar, çarpık ve bozuk estetikler gibi stratejiler, zamansız ve mekânsız durumlar gibi yaklaşımlar eserlerinde eleştirel ifadelerini yansıtır ve çevresel krizleri ortaya koyarak farkındalık sağlamaktadırlar. Bu araştırma betimsel analitik bir yaklaşımla ortaya çıkmıştır. Bilgi toplama yöntemi, kütüphaneye yöntemi ve sanatçıların eserlerini elektronik kaynaklar aracılığıyla görüntüleme ve kontrol etme yöntemi ile yapılmıştır.

Anahtar Kelimeler: İran çağdaş sanatı, İran video sanatı, sanatçı ve çevre

Geliş Tarihi/Received: 08.01.2022

Kabul Tarihi/Accepted: 21.02.2023

Sorumlu Yazar/Corresponding Author:

Hajar BABAZADEH

E-posta: hajarbabazade@gmail.com

Cite this article: Babazadeh H. (2023).

Environment in the works of nine Iranian video artists. *A Journal of Iranology Studies*, 18(1), 26-34.



Content of this journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

¹ Video, Video Artist sitesi tarafından, "Çevre, Sanatçının Yaşamı" temalı 1401 h.ş (2022) yılında hayata geçirilen bir projenin adıdır. Video sanatı sergisi olan bu proje, 9 İranlı sanatçının eserlerini yurt içi ve yurt dışında farklı şehirlerde ve farklı tarihlerde sergilemekten oluşmaktadır.

² Video sanatçısı ve çevre sanatı sanatçısı Fereshte Alamshah tarafından tasarlanan ve yönetilen "Video Artist" sitesi, İsfahan şehrinde 2013 yılından itibaren tamamen bağımsız olarak faaliyet göstermeye başlamıştır. Bu sitenin oluşturulmasıyla birlikte İranlı video sanatçıların eserlerini sanal alanda özel ve genel izleyiciler için sınır ve kısıtlama olmaksızın göstermek için uygun bir alan yaratılmıştır.

³ <https://www.instagram.com/videoartists.ir/> (E.T. 04.07. 2022)

⁴ Kitsch

⁵ Collage

⁶ Ready made

⁷ Appropriation

ABSTRACT

Since 1998, profound changes have occurred in Iranian Art in terms of concept and aesthetics. From this route, the use of new media like video and the handling of social and humanitarian issues have become widespread. New art's mission is to pursue its cause on universal issues such as global environmental issues and humanitarian disasters. In the leading research, the topic explored is the attention of Iranian video artists to the environmental problems. In this article, 9 works from the Kule Video project related to the Video Artist site have been reviewed and it looks at how contemporary artists pay attention to their environment. As a result of the research, the interests of Iranian contemporary artists in video art, the artists' approaches to the environment, their artistic expression and finally the emergence of the environmental, urban and psychological of the society were examined.

These artists look at environmental issues with critical, social, cultural, political, philosophical and psychological approaches and seek to face the environment from personal perspectives, which can be divided into four cases: 1. Artist relationship with flora and nature 2. The artist's relationship with fauna 3. The artist's relationship with the city 4. The artist's relationship with man and society. The artists used aesthetics such as kitsch, collage, ready-made object, appropriation, concept rather than formalism, which are the characteristics of Contemporary Art in their works. In addition to these, strategies such as contrasts, distorted aesthetics and approaches such as timeless and placeless situations reflect their critical expressions in their works and raise awareness by revealing environmental crises.

This research has done with a descriptive analytical approach. The method of collecting information was library method and viewing and checking the Works of artists through electronic sources.

Key Words: Iranian Contemporary Art, Iranian Video Art, Artist and Environment

مقدمه

زمین آشکارا به صدا درآمده است. در سال‌های ۶۹۱۰ هنرمندانی با مشاهده این خطرها و در پی پاسخی به هنرمندانی که طبیعت و هنر را دو چیز متفاوت دانسته و پیوند این دو را رد می‌کردند، شروع به ایجاد هنر محیطی کردند که از جمله این هنرمندان به رابرت اسمیتسون، مایکل هایزر، والتر دماریا و... می‌توان اشاره کرد (Yilmaz, 2005, s. 239, 238).

دو دهه است که هنرهای زیست‌محیطی در ایران مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. هنر محیطی به معنای هنری که در محیط اجرا شود و از چارچوب گالری‌ها خارج گردد از اوایل دهه

۲۰۰۱ در ایران رونق گرفت. از همان زمان و با حضور نسل تازه‌ای از هنرمندان پرداختن به هنر با دغدغه‌های زیست‌محیطی افزایش یافت. نادعلیان از اولین هنرمندانی است که به هنر محیطی در ایران پرداخت (تقیزادگان، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۹-۱۳۰). آثار او در طبیعت و با مصالح طبیعی که او معمولاً روی سنگ‌ها نقش‌هایی را حکاکی کرده طبیعت آن‌ها را باز یافت می‌کند انجام می‌دهد و آن‌ها را در محیط طبیعی‌شان مثل رودخانه‌ها یا کوه‌ها رها می‌کند. او در سفرهایش به نقاط مختلف دنیا سنگ‌های آنجا را حکاکی کرده است. نادعلیان گاهی از سنگ‌ها به‌عنوان مهر استفاده می‌کند و به وسیله آن‌ها روی ماسه‌های سواحل دریا نقش می‌زند (ملکی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۵). از جمله هنرمندان دیگر هنر محیطی می‌توان به فرشته عالمشاه، راضیه گودرزی، فرزانه نجفی، عاطفه خاص، راحله زمردی‌نیا، تارا گودرزی، نوشین نفیسی و محمود مکتبی اشاره کرد (فرزانه، ۱۳۹۸، ص. ۸۶، ۸۵).

در دهه ۲۰۱۱ هنر محیطی در ایران از رویکردهای هنر زمین یا هنر چشم‌انداز که به خلق هنر در محیط طبیعت می‌پرداختند به سوی هنرهای چرخش کرد که تهدیدهای (تقیزادگان، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۰) محیط‌زیست طبیعی و شهری، آلودگی‌های آب، فرسایش خاک، کاهش منابع طبیعی و خطرات مهاجرت‌های انسانی و حیوانی در محیط‌زیست را یادآور می‌شوند. در این خصوص می‌توان به رویکرد «کوله‌ویدئو» از سایت ویدئوآرتیست در سال ۲۰۲۲ اشاره کرد که در آن هنرمندان سعی کرده‌اند با ویدئوآرت مسائل محیط‌زیست هنرمند با رویکردهای روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی را به نمایش بگذارند.

ویدئوآرت از جمله هنرهای رایج در هنر معاصر ایران است که جنبه دموکراتیک، دسترسی آسان و استفاده راحت آن برای همه عموم از جمله هنرمندان حرفه‌ای و آماتور، قابلیت تکثیر، سرعت پخش آن تا دورترین نقاط جهان، ثبت زمان، صدا، مکان (Altunay, 2013, s. 236, 238)، قابلیت ثبت لحظه‌های آنی، قابل تکرار و تدوین‌بودن، ماهیت ضدسانسور، ضدفاشیسم و ضداقتدارگرایی آن و در نهایت امروزه تبدیل آن به یک وسیله ارتباطی، این هنر را تبدیل به مدیوم رایج و محبوب عصر حاضر در بین هنرمندان جهان و ایران کرده است. در ادامه با بررسی آثار هنرمندان پروژه اخیر ویدئوآرتیست به‌عنوان تمثیلی از هنرمندان ویدئوآرت در ایران جزئیات بیشتری راجع به موضوع محیط‌زیست از دید هنرمند معاصر ایرانی نمایان خواهد شد.

از حدود سال‌های ۱۹۶۰ در غرب تحولاتی در مفهوم و شکل هنر به‌وجود آمد که تفاوت‌های بسیاری با هنر مدرن و رایج زمان خود داشت. توجه به رسانه‌های مختلف و جدید چون ویدئو، طبیعت و مواد طبیعی، عکاسی هنری، اجرا، چیدمان و... رونق گرفت. از عمده ویژگی‌های هنر جدید برخلاف هنر مدرن که با تأکید بر انتزاع‌گرایی از مضامین اجتماعی دور شده بود، این بود که هنرمندان را به موضع‌گیری اجتماعی فرا می‌خواند. در هنر جدید مسئله اصلی، رابطه هنر و جهان پیرامون است؛ از این رو هنرمندان به کنشگران فعالی تبدیل شده‌اند که در هنرهای اجرایی و آثار هنری به طرح مسائل اجتماعی و تجربه‌های زیستی می‌پردازند (تقیزادگان، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۵). آنچه کنشگری هنری می‌نامیم به نوعی واکنش میدان هنر به آرمان استقلال هنر مدرن است که تصویری ایزوله‌شده از هنرمند مستقل ارائه کرد و هنر را از انتظارات سیاسی، اجتماعی، دینی و اخلاقی دور نگاه داشت؛ اما اکنون هنر بار دیگر به مثابه تجربه‌ای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود و تجربه‌های تازه هنری به دست می‌آیند (مریدی، ۱۳۹۸، ص. ۹۷). این امر در ایران از اواخر سال‌های ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی) رخ داد. هنرمندان از این سال‌ها شروع به ترک مدرنیسم هنری کرده و به هنر جدید یا به عبارتی هنر معاصر روی آوردند. هنرمندان برای دستیابی به امر معاصریت تلاش‌های خود را برای به‌تسخیر درآوردن حساسیت‌های اکنون متمرکز کردند که این مسئله توجه ویژه دارد بر مقوله زمان و مکان هنرمند. این آثار به زمینه‌هایی که هنرمندان در آن‌ها شکل گرفته‌اند، یعنی بافتار روانی، فلسفی، زندگی‌نامه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ارجاع می‌دهند (کشمیرشکن، ۱۳۹۳، ص. ۲۸۵) و دیدگاه‌های نو را با واقعیت‌های موجود مانند پارادوکس‌ها و ناپهنجاری‌های اجتماعی پیوند می‌زند (کشمیرشکن، ۱۳۹۳، ص. ۲۸۰). در این راستا توجه به مسائل محیط زیست هنرمند با ارجاعات فلسفی، فرهنگی، روانی و... از جمله موضوع‌های مهم در هنر معاصر ایران است که تا کنون ایده اصلی رویدادهای مهم هنری چون سمپوزیوم هنر بولا، رویداد هنر پرسبک، پروژه ویدئوآرت سایت ویدئو آرتیست (سال ۲۰۲۲) را تشکیل می‌دهد که در این مقاله به این موضوع پرداخته می‌شود.

۱. هنرمند و محیط‌زیست

توجه به محیط زیست ریشه در توجه هنرمند معاصر به مسائل اجتماعی و زندگی انسان‌ها و همچنین از طرفی ریشه در هنر محیطی دارد که در سال‌های ۱۹۶۰ در هنر جدید غرب به وجود آمد. در هنر محیطی یا هنر زمین هنرمندان با هدف جلب توجه به حفظ و اقدام فوری برای مراقبت از کره زمین، با مصالح طبیعی چون سنگ‌ها و درختان آثاری در طبیعت خلق می‌کنند. در این آثار مصالح طبیعی استفاده‌شده را به کره زمین ارجاع می‌دهند که هدف ایجاد احترام به طبیعت و کره زمین و نقد رابطه سلطه‌گر انسان بر کره زمین است. درحال حاضر همان‌طور که آشکار است، در نتیجه استفاده بی‌رویه و تخریب طبیعت، دورریزهای به دریا ریخته‌شده کارخانه‌ها، ایجاد انباشت‌های زباله در مناطق مختلفی از زمین و تولید مصنوعات به جایی رسیده که رنگ‌های خطر در سیاره

⁸ Kule Video is the name of a project that was implemented in 2022 with the theme "Environment, Life of the Artist" by the Video Artist site. This project in the form of a video art exhibition consisted of showing the works of 9 Iranian artists in different cities inside and outside the country, which were performed on consecutive dates.

⁹ "Video Artist" site started operating completely independently since 2013 in the center of Isfahan city, designed and managed by Fereshte Alamshah, a video artist and environmental artist. With the launch of this site, a suitable environment was created for the works of Iranian video artists to be displayed without borders and restrictions in the virtual space for special and general audiences (سپاهمرد، ۱۳۹۵).

۱۰. کوله ویدئو نام پروژه‌ای است که در سال ۱۰۴۱ با موضوع «محیط زیست هنرمند» توسط سایت ویدئوآرتیست به اجرا درآمد. این پروژه به شکل نمایشگاه ویدئوآرت تشکیل شده بود از نمایش آثار ۹ هنرمند ایرانی در شهرهای مختلف داخل و خارج کشور که در تاریخ‌های متوالی به اجرا درآمدند.

۱۱. سایت «ویدئوآرتیست» از سال ۱۹۳۱ به مرکزیت شهر اصفهان با طراحی و مدیریت فرشته عالمشاه، ویدئو آرتیست و هنرمند هنر محیطی، به صورت کاملاً مستقل آغاز به فعالیت کرد. با راه‌اندازی این سایت زمینه‌ای مناسب ایجاد شد تا آثار ویدئوآرتیست‌های ایرانی بدون مرز و محدودیت در فضای مجازی برای مخاطبان خاص و عام به نمایش درآید. (سپاهمرد، ۵۹۳۱)

¹² <https://www.instagram.com/videoartists.ir/> (E.T. 04.07. 2022)

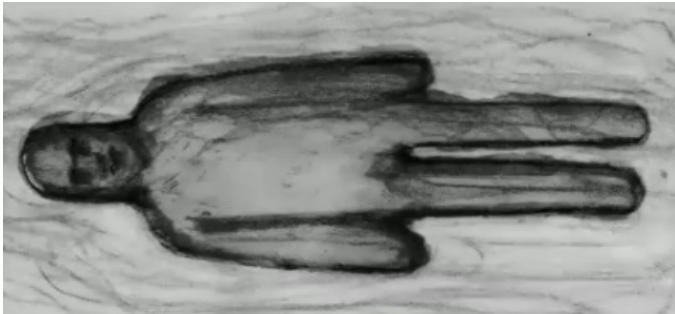
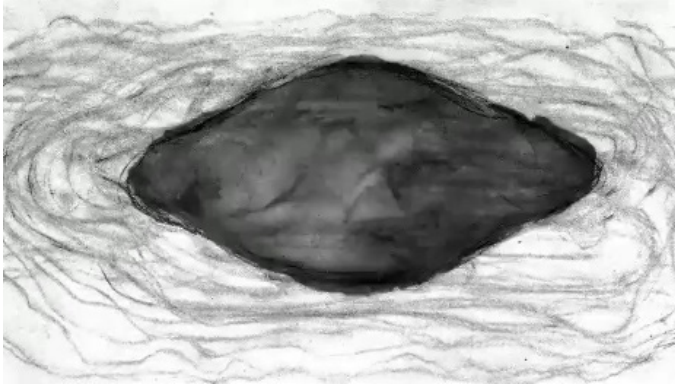
¹³ Fauna

ایجاد صحنه‌ای سوررئال منجر شده است.

حس آرامش در فضا و صدای پرندگان آوازخوان به همراه تقلای حیوان گرفتار شده و این ناهمخوانی‌ها به ایجاد جهانی دیستوپیک و آپوکالیپتیک (آخرالزمانی) در اثر منجر می‌شوند که از ویژگی‌های بارز آثار امیر احمدی است و در اینجا اشاره‌ای دارد به مقوله بوم‌شناسی و تأکید بر تصویری از دنیای آینده بر جای مانده از انسان مدرن.

۲.۲. رابطه هنرمند و گیاهان و طبیعت

الهه رفیعی: اثر «کوه» (شکل ۲)



۲. موضوع محیط‌زیست در آثار هنرمندان ویدئوآرت

در این رویداد مواجهه هنرمندان با محیط‌زیست را می‌توان در چهار دسته مشاهده کرد:

۱. رابطه هنرمند و زیباگان: امیر احمدی (دامون)

۲. رابطه هنرمند و گیاهان و طبیعت: الهه رفیعی (کوه)، نیک محسنی (رویش)

۳. رابطه هنرمند و شهر: حمیده سبحانی فرد (باغ ایرانی)، شهرام احمدزاده ترکمانی (انباشت)، راضیه گودرزی (تکرار بی‌نهایت ثانیه‌ها)

۴. رابطه هنرمند و انسان / جامعه: الهه عبدالله‌زاده (زن و ماهی)، دنیا حاجی‌زاده (گناه) و آزاده نیلجیبانی (بوم‌شناسی انسانی)

۱.۲. رابطه هنرمند و زیباگان



شکل ۱. امیر احمدی، دامون، ویدئو، 46 ثانیه، 2202

امیر احمدی: اثر «دامون» (شکل ۱)

تضاد، جهان‌های تحریف‌شده، فضاهای آپوکالیپتیک و آخرزمانی، دیستوپیا، استتیک کیچ، کولازگونه و ردی مید، رویکردی طنزگونه، محتواهای اجتماعی انتقادی، در برخی موارد تصاویر سوررئال و هیبرید، نگاهی ضد هژمونیک و آنتروپوسنتریک در محیط زیست و از ویژگی‌های هنر معاصر چون نقد اصالت و آزان خودسازی از ویژگی‌های کلی آثار امیر احمدی به‌شمار می‌آیند.

حیوانی پیچیده یا گرفتار در جلیقه‌ای در دامن طبیعت و در حال دست‌وپا زدن برای رهایی، مضمون اصلی اثر امیر احمدی در پروژه کوله‌ویدئو است. حیوان که به نظر می‌رسد غزالی باشد در دامن طبیعت با آرامشی خاص در حال دست‌وپا زدن در میان تله‌ای از جنس همیشگی انسانی است. این بار این تله یک پوشش عادی چون جلیقه یا کاپشن چرمی است که به سهو در جنگلی رها شده همچون دیگر اعمال سهوگونه انسانی چون رها کردن زباله‌ها و پسماندها در دامن طبیعت به‌عنوان اثری از انسان مدرن که اشرف مخلوقات شمرده می‌شود و دیگر جانداران و گیاهان همه باید در خدمت او باشند. نقد این نگاه رایج آنتروپوسنتریک و هژمونیک مخصوصاً در جامعه ایران، در آثار امیر احمدی با روش‌هایی چون طنز و استتیک کولاز به‌منظور نقد اجتماعی و نقد اصالت دیده می‌شود. تقریباً هیچ اثری از او را بدون ردی از عناصر حیوانی و طبیعت نمی‌توان دید. حضور طبیعت و حیوانات در کنار انسان در آثار او محیط زیستی هولیستیک می‌آفرینند که نشان‌دهنده ارجحیتی بین هیچ‌کدام از این عناصر نیست. انتخاب این هنرمند در پروژه محیط، زیست هنرمند انتخابی مناسب بوده است؛ چرا که در پایه و اساس آثار او روابطی از انسان و طبیعت بدون در نظر گرفتن موضوع اصلی هر اثر، بدون شک دیده می‌شود. امیر احمدی هیرارشی را از بین می‌برد و همه جانداران، گیاهان و عناصر طبیعت را در یک سطح از ارزش در کنار هم می‌چیند. همه این عناصر به یک اندازه به آثار او معنی می‌بخشند و بدون هر کدام از این عناصر اثر ناقص مانده و تکمیل نمی‌شود.

در این اثر هنرمند با نگاهی سمبلیک، طنزگونه و تحریف‌شده به آشنایی‌زدایی از مقوله تخریب طبیعت و آسیب به جانداران طبیعت توسط انسان کمک می‌کند و در این راه بیشترین بهره را از صدای نامرتب با تقلای حیوان می‌برد. صدا بیشتر به صدای مجاله‌شدن بادکنکی می‌ماند که در اینجا با درخشانی و پلاستیک‌گونه‌گی جلیقه همخوانی دارد و باعث پررنگ‌شدن این وسیله غیرمرتبط با طبیعت برای بیننده می‌شود. بدین ترتیب هنرمند به‌جای صدای معمول تقلای حیوان گیرافتاده در دام، صدای جیرجیر جلیقه‌ای در پیچ و تاب را به بیننده نشان می‌دهد و آشنایی‌زدایی بسیار ظریف و جالب و حتی طنزگونه‌ای را که باعث جلب توجه بیننده نیز می‌شود، در معرض نمایش می‌گذارد. از سوی دیگر، جلیقه چرمی و صنعت آن یادآور قتل جانوران در میزان انبوه و اشاره به دوران آنتروپوسین است؛ دوره‌ای که اشاره به دوره زمین‌شناختی جدیدی می‌کند که سرآغاز تأثیر عمده فعالیت‌های انسان بر اکوسیستم و ساختار سیاره زمین از قرن هجده و شروع انقلاب صنعتی است. در این دوران رفتار انسان باعث تخریب و تغییر محیط‌زیست شده است. این موضوع در مقایسه با طبیعت زیبای پس‌زمینه، کنتراست جالبی ایجاد کرده و به

وسطح های کنده شده تخت در زمین به وضوح دیده می شوند. سپس در ادامه بدپینتینگ از ویژگی های هنر معاصر را با استتیک کج و معوج از پیکر انسانی را شاهد هستیم که در حال تغییر و در نهایت تبدیل به خاک و منبع انرژی می شود. با نگاهی دقیق تر آنچه که وسیله این تخریب است، ابزار و به عبارتی تکنولوژی است که انسان آن را روزی از دل طبیعت برای محافظت از خود در برابر خطرها استخراج کرد. او اکنون (در عصر صنعتی) با همان ابزار و تکنولوژی شروع به شکافتن طبیعت و از بین بردن محیط زیست خود کرده است و در این پروسه چنان با سرعت پیش می رود که از خود بیگانه و با نیروی عقلانی و جسمانی، خود نیز تبدیل به ابزار شده و علیه طبیعت ایفای نقش می کند. الهه رفیعی در این اثر به نقد عصر مدرنیته می پردازد و بر این باور دارد که مدرنیته عناصر طبیعت چون کوه، زمین، سنگ، خاک و حتی انسان را نیز تبدیل به ابزاری کرده است برای تجمع ثروت. همه اینها نشانه های هستند از جهل و ناآگاهی انسان بر این موضوع که او نه سرور طبیعت، که خود نیز جزئی از طبیعت بوده و با نابودی طبیعت او نیز محکوم به فناست؛ چرا که فراموش کرده خود نیز جزئی از طبیعت است.

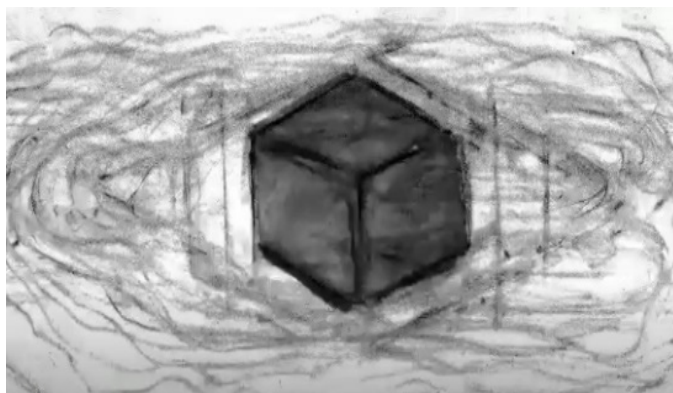


شکل 3. نیک محسنی، اثر رویش، ویدئو، 43 ثانیه، 2022. (با اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو)

نیک محسنی: اثر «رویش» (شکل ۳)

مکانی بی گیاه، بیابانی خشک و در دل کویر، مقبره های تاریخی، محل دفن حاکمی سلجوقی با قدمتی هزارساله؛ هنرمند آن را به عنوان استعاره ای در زمان حاضر تبدیل به محل دفن گوهری طبیعی کرده است. او با دست کاری در تصویر آرامگاه تاریخی مربوط به دوران کهن و از آن خودسازی، به بازخوانی دوباره این متن در زمان حاضر می پردازد و آن را بار دیگر محل دفنی فاخر، این بار برای طبیعتی که زمانی نقش حاکمیت بر محیط زیست داشت، می کند. یا تنها درخت باقی مانده را به هزار سال قبل می برد و به مانند مقبره عمیدالدین شمس الدوله دیلمی که هزارسال بعد، یعنی در حال حاضر فقط یادبودی است در خاطره ها و کتاب های تاریخی، نگاهی از آینده به گذشته را برای بیننده در رابطه با طبیعت از دست رفته ترسیم می کند. دیستوپایی ترسیم شده از آینده محیط زیست هنرمند، بیابانی است خشک، بی گیاه، بی آب، بی پرده و بدون شادی و نشاط.

استتیک اثر بر روی تضاد بنا شده است؛ تضاد مرگ و زندگی، آرامگاه و سمبل حیات، یعنی درخت زندگی، خشکی و سرسبزی، رنگ گرم و سرد، باران و بی آبی، شادی و کسالت، سایه و آفتاب. هنرمند با استتیک کنتراست حاکم بر اثر باعث آشنایی زدایی از طبیعت همیشه سبز شده و توجه بیننده را به روزی جلب می کند که دیگر اثری از آب و گیاه وجود ندارد. روزی فرا خواهد رسید که از آب، گیاه و حیوانات که در اکوسیستم محیط زیست نقش اساسی دارند، در داخل خانه شاید فقط نمونه هایی، آن هم به عنوان تزئین باقی مانده باشد؛ دیستوپایی که در آن به سان فرهنگ مدرن و فرهنگ مصرف گرایی و کنسروهای حاضر و آماده عصر مدرن، شاید روزی طبیعت محیط زیستمان نیز در کنسروها و بسته هایی در ازای پول خرید شده و وارد خانه هایمان شود؛ البته که هنرمند گوشه نگاهی نیز به مدرنیته و انتقاد از عصر مدرن دارد؛ چرا که مدرنیته با شهرنشینی آغاز می شود و توسعه شهرها و کوچ انسان ها از روستاها و زمین های زراعتی، بزرگ شدن روستاها و تبدیل آن ها به شهرها و آغاز صنعت و صنایع از هر طرف نابودی طبیعت، پرندگان، آلودگی های زیست محیطی و بحران آب و هوا و اکولوژی را به دنبال دارد. در تصور هنرمند از آینده محیط زیستش نابودی درختها و گیاهان، خشک سالی، کمبود آب و در نهایت نابودی موجودات وابسته به این اکوسیستم عیان است.



شکل 2. الهه رفیعی، کوه، ویدئو، ۱ دقیقه و 35 ثانیه، 2022. (با اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو)

الهه رفیعی در اثر کوه به مسئله محیط زیست هنرمند با رویکردی انتقادی پرداخته است. در این اثر هنرمند توجهها را به طبیعت و تخریب محیط زیست توسط انسان مدرن جلب می کند. او در شهر فرهنگی اصفهان زندگی می کند؛ موزه شهری که قدمت تاریخی بسیاری دارد و یادگارهایی از زمان های کهن تا زمان حاضر را در دل خویش جای داده است. از آتشکده های مربوط به آیین زرتشتی قبل از اسلام گرفته تا مساجد و بناهای دوره های حکومتی مختلف بعد از اسلام، تخریب بناهای فرهنگی، تخریب محیط زیست طبیعی در جای جای این شهر و خشکاندن رودخانه معروف زاینده رود و از بین رفتن زیستگاه های آبزیان و پرندگان مختلف که موضوع آثار هنرمندانی چون شهرام احمدزاده و فرشته عالمشاه، هنرمند محیطی بوده را در اثر او نیز می توان مشاهده کرد. تخریب اکوسیستم حاکم در این منطقه توسط انسان مورد توجه الهه رفیعی بوده است. نقد او به نگاه آنتروپوسنتریک انسان مدرن، قدرتمندی و برترشردن خود نسبت به تمام عناصر زنده و غیرزنده محیط زیست است که نتیجه آن در نهایت از بین بردن محیط زیست و خود انسان است.

در طول تاریخ رابطه انسان و طبیعت را در چهار دوره می توان دنبال کرد. دوره اولیه که انسان مغلوب طبیعت بود؛ یعنی دوران پیش از عصر نوسنگی که ترس از طبیعت بر زندگی انسان حاکم بوده است. دوران میانی که پیوند انسان و طبیعت به هم زیستی رسید؛ یعنی دوران باستان که زندگی انسان و طبیعت در هم ادغام شد و طبیعت برای انسان مقدس بود؛ الهه ها و اسطوره های طبیعت با زندگی انسان رابطه نزدیک داشتند. دوره سوم، انسان توانست بر طبیعت غلبه یابد؛ به ویژه بعد از انقلاب صنعتی طبیعت مورد بهره کشی انسان قرار گرفت (تقیزادگان، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۱). از این دوره به بعد به ارزش های ابزاری طبیعت نگرسته شد. طبیعت در دست عقلانیت ابزاری زمینهای برای بهره کشی فراهم کرد. این بهره کشی به آسیب های غیرمنتظره منجر شد (میرخاتمی، آفرین، ۱۳۹۸، ص. ۴۶) و توازن طبیعت رو به اضمحلال و تخریب رفت. دوره چهارم، دوران معاصر است که انسان بر بحران زیست محیطی آگاهی یافته و دانسته که اکوسیستم جهانی در خطر است. بر اساس شمایل های موجود در اثر به نظر می رسد هنرمند به دومرجه از رابطه انسان در طول تاریخ تکامل خود با طبیعت و مقایسه آن ها پرداخته است؛ یکی دوران باستان است که طبیعت برای انسان مقدس به شمار می رفت و این نگاه را می توان از وجود آتشکده های بر بالای کوهی فهمید که نشان از تقدس این کوه و صخره ها دارد و در نهایت می توان به تقدس طبیعت و عناصری از آن چون آتش درون آتشکده و... پی برد. دیگری دوران سوم یعنی غالب بودن و قدرتمندی انسان بر طبیعت است؛ عصر صنعتی شدن که بعد از آن انسان شروع به بهره کشی از طبیعت کرده و باعث برهم زدن توازن طبیعت و تخریب و اضمحلال آن شده است و به عبارتی، آغاز عصر آنتروپوسنتریک و نگاه حاکم آنتروپوسنتریک انسان در این عصر.

در ویدئو، مخازن سنگ در دل کوهها با صدای تیشه بر پیکر آن ها نمایش داده می شود که حکایت از بریدن سنگها و کوهها به عنوان منبع انرژی دائم دارد؛ به طوری که در تصویر جای خالی کوهها



شکل 4. حمیده سبحانی فرد، باغ ایرانی، ویدئو، دو دقیقه و 40 ثانیه، 2022) با اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو

۳.۲. رابطه هنرمند و شهر

حمیده سبحانی فرد: اثر «باغ ایرانی» (شکل ۴)

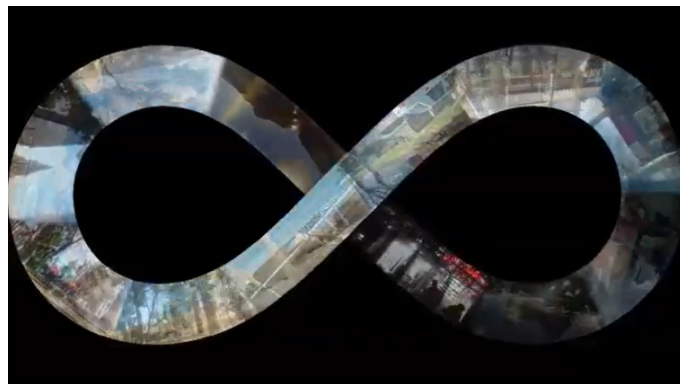
تصاویر انتزاعی باغ ایرانی بر روی قالی ایرانی با صدای دل‌نشین موسیقی و آواز پرندگان و سپس به تدریج کم‌شدن و ناپدیدشدن فرم‌ها و اشکال گل و گیاه باغ به همراه تغییر رنگ قالی به رنگ خاکستری شهرها و سیمان و در نهایت تعویض همه این‌ها با صدای خیابان‌های شلوغ و ماشین‌ها، آن چیزی است که در نگاه اول در اثر «باغ ایرانی» می‌توان دید.

نگاه حاکم بر تصویر اولیه، نگاهی شاعرانه، تغزلی و فرمالیستی است. گل‌های انتزاعی نقش بسته بر قالی ایرانی با رنگ‌های زیبا و براق این نگاه را آشکار می‌کنند. به تدریج کم‌شدن و نیست‌شدن عناصر و تبدیل آن‌ها به صحنه‌ای خالی و نازیبا به همراه صداهای گوش‌خراش شهری و ماشین‌ها به نوعی تداعی‌کننده شمایل‌شکنی است که در هنر معاصر در آثار بسیاری از هنرمندان دیده می‌شود. عامل اصلی این شمایل‌شکنی و یا به عبارتی عامل از بین رفتن این موتیف‌ها، گسترش شهرنشینی است. هنرمند با نگاهی انتقادی اجتماعی به مسئله گسترش شهرنشینی، نابودی حافظه تاریخی فرهنگی خطه‌ای و ملتی را خاطر نشان می‌کند. روزگاری در جای‌جای محیط زیست هنرمند باغ‌های مشهور ایرانی وجود داشتند. این باغ‌ها جزئی از اکوسیستم آن منطقه به حساب می‌آمدند. لانه انواع گیاهان، پرندگان، حشرات و موجودات ریز بودند، در پاکي و تصفیه هوای منطقه تأثیر داشتند و محل زیارت و هم‌نشینی خانواده، فامیل‌ها و اقوام بودند. انسان‌های این خطه در این اکوسیستم و در این فرهنگ به دنیا آمده و بزرگ شده بودند و اکنون از این باغ‌ها که در همه جای جهان نمادی از هویت و فرهنگ ایرانیان به‌شمار می‌رود، اثری باقی نمانده است. نابودی این فرهنگ به معنای نابودی حافظه تاریخی نسل‌هایی از انسان‌های این خطه و مرزو بوم است. جست‌وجوی هویت نیز موضوعی است که هنرمند به‌صورت تلویحی در این اثر به آن پرداخته است.

زیبایی و زشتی، رنگ و بی‌رنگی، صدای آواز پرندگان و صدای شلوغی شهر و بوق ماشین‌ها، گل‌ها و فضای خالی، خاک و آسفالت، عناصر متضادی هستند که هنرمند آن‌ها را در کنار هم برای نشان دادن آنچه بود و آنچه هست قرار می‌دهد و بدین شکل قسمتی از حافظه آخرین نسل از بازماندگان فرهنگ یادشده را به اشتراک می‌گذارد و به سوگ می‌نشیند.



تشویق به مصرف فراوان و تولیدات بیش از نیاز انسان‌ها از یک طرف و تولید زباله‌های کارخانه‌های تولیدی از طرف دیگر، باعث جمع‌شدن پسماندها در طبیعت و هدایت پساب‌ها به دریاها و رودخانه‌ها و مرگ هزاران آبزی و موجودات زنده در دریاها و خشکی می‌شوند. از طرفی نیز افزایش کارخانه‌ها و وسایل نقلیه و آلودگی صوتی ناشی از آن‌ها در کنار دود ناشی از سوخت‌های فسیلی، باعث آلودگی هوا و ضررهای جبران‌ناپذیر بر جو هوا و پرندگان و انسان‌ها و امراض گوناگون می‌شود. این تراژدی جهانی که در زمان‌های اخیر و در فرهنگ پست‌مدرن با نقد بسیاری از فعالان محیط‌زیست، اکتیویست‌ها و هنرمندان روبه‌رو شده است، این بار از لنز هنرمند ایرانی درباره خطه‌ای از ایران موردنقدی عریان قرار می‌گیرد؛ نقدی بدون حاشیه و با تمام تلخی و بیانی کاملاً مستقیم؛ نگاهی کاملاً پست‌مدرنیست به شهر برخلاف نگاه مدرنیستی که نگاهی شاعرانه بر شهر و شهرنشینی دارد. آثار شهرام احمدزاده ترکمانی معمولاً در قالب رسانه عکاسی در زمینه‌های مناظر شهری و طبیعت اطراف شهر شکل می‌گیرند. تصاویر شکارشده توسط لنز ترکمانی گاه تصاویر شهری را به نگاه‌های فلسفی و اندیشمندانه پیوند می‌زنند و گاه در تصاویر مناظر حاشیه شهری در کنار مفاهیم یادشده استتیک فرمالیستی هم اهمیت پیدا می‌کند. در اثر «انباشت» چون برخی دیگر از هنرمندان، استراتژی کنتراست برای نشان‌دادن معنا به کار گرفته شده است. در ابتدا اکوسیستمی پویا و زنده شامل رودخانه پرآب معروف زاینده‌رود، مرغان دریایی، نیزارها و زیستگاه‌های طبیعی و رنگ‌های نشاط‌آور آبی و سبز دیده می‌شود و در ادامه تصویر مخدوش‌شده و سپس اکوسیستمی دگرگون‌شده و معیوب و مریض به نمایش درمی‌آید. هوای غبارآلود و بستر نهی خشک و بی‌آب و علف، مرگ شهری که معنای خود را از زاینده‌رود می‌گرفت را اعلام می‌کند. هنرمند در پی ترسیم دیستوپایی از آینده بشریت نیست؛ آنچه را که او به ترسیم می‌کشد بازتاب آینده آخرالزمانی فرا رسیده در اکنون منطقه‌ای از جهان است که در پی بی‌اهمیتی و بی‌مسئولیتی به مرگی زودهنگام دچار شده است. دیستوپایی واقعی در دیاری را به معرض نمایش می‌گذارد و در نهایت ویدئو با روی دیگر این ویران‌شهر با پوششی از زباله‌ها و پسماندهای شهری تلنبارشده و فضایی هولناک با کرکس‌ها و لاشخورهایش در آسمان با فضایی خاکستری و مه‌آلود به پایان می‌رسد. موزیک دلهره‌آور و پراز پارازیت نیز به انتقال مفهوم موردنظر هنرمند کمک شایانی کرده است.



شکل 6. راضیه گودرزی، تکرار بی‌نهایت ها، ویدئو 59 ثانیه، 2022. (با اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو)

راضیه گودرزی: اثر «تکرار بی‌نهایت ثانیه‌ها» (شکل ۶)

اغلب آثار راضیه گودرزی در شکل‌های پرفورمنس‌آرت، ویدئو پرفورمنس و ویدئوآرت و در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و هنر محیطی هستند که در برخی موارد به شکل تعاملی با شریک هنری خود و در برخی موارد با مخاطبان و در طبیعت انجام می‌گیرند.

او معمولاً از طریق پرفورمنس‌های سمبلیک و استعاری به تسویه حساب بین عقاید و اندیشه‌های خود با سنت‌های رایج در فرهنگ جامعه‌اش می‌پردازد و در این راه از طبیعت به شیوه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود. او در این راستا نه تنها در پی کشف و شناخت خویش از طریق تعامل با محیط اطراف بوده، در پی مشاهده و کشف روابط انسان‌ها با همدیگر و با محیط اطراف نیز هست. کشفیات او در آثارش در قالب تمثیل در بیشتر موارد دغدغه انسان‌های جامعه در حال گذر از سنت به مدرنیته را برملا می‌کند. آثار او از این نظر می‌توانند اهمیت ویژه‌ای داشته باشند. وجود طبیعت در غالب آثار او احتمالاً در نگاه اول از او یک هنرمند هنر محیطی بسازد؛ ولی طبیعت در بیشتر موارد برای هنرمند رسانه‌ای است برای بیان اندیشه‌هایش در رابطه با خود، جامعه، محیط اطراف و زندگی‌اش. او بسان یک هنرمند معاصر که با دیده انتقاد به اطراف خود می‌نگرد، به نقد بدیهیات و قالب‌ها در فرهنگش می‌پردازد و آن‌ها را به چالش می‌کشد.

در وهله دوم در پی شرکت و ایجاد پروژه‌ها و آثاری در جشنواره‌های هنر محیطی می‌توان از او آثاری در رابطه با موضوع صرف طبیعت، بیشتر با رویکردی فرمالیستی مشاهده کرد و در این موارد بیشتر از کارکتریک هنرمند معاصر، از او کاراکتریک یک هنرمند مدرنیست آوانگارد را می‌توان دید. فرم‌های استتیک، تغزلی و شاعرانه در وصف زیبایی‌های طبیعت و محیط اطراف همه موارد شواهدی بر این امر هستند. اثر «تکرار بی‌نهایت ثانیه‌ها» نیز شواهدی بر این نگاه مدرنیستی هنرمند است. او در این اثر در

شکل 5. شهرام احمدزاده ترکمانی، انباشت، ویدئو، ۲ دقیقه و 23 ثانی، 2022. (با اجازه از مدیر پروژه کوله)

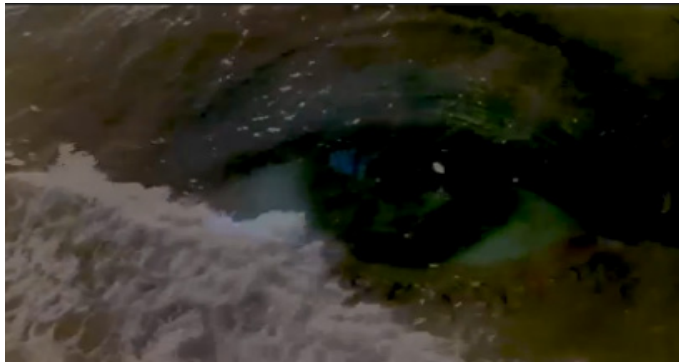
شهرام احمدزاده ترکمانی: اثر «انباشت» (شکل)

توسعه شهرنشینی، افزایش جمعیت شهرها، به‌وجودآمدن نظام اقتصادی سرمایه‌داری، ایجاد کارخانه‌های تولیدی، فرهنگ مصرف‌گرایی، تولید بیش از اندازه کارخانه‌ها و مصرف بیش از نیاز و جاه‌طلبی انسان‌ها همه از عواملی هستند که در عصر حاضر در همه جای جهان حاکم شده و نتایج بسیار زیان‌باری بر محیط‌زیست انسان به بار آورده‌اند.

دنیا حاجی زاده: اثر «گناه» (شکل ۸)

دنیا حاجی زاده و آزاده نیلچایانی، از هنرمندان ایرانی هستند که در دیاسپورا مشغول کار و زندگی هستند و آثارشان ویژگی‌های هنر دیاسپورا را در خود دارد. از ویژگی‌های این آثار می‌توان به مسائل مهاجرت چون پرسش‌هایی درباره بافتار جغرافیایی و محیط‌زیست جدید، فقدان هویت به دلیل فقدان دارایی‌هایی چون ارتباطات و حس دوری از مردم و اجتماعی که شخص با آن‌ها شناخته می‌شود، تردید، لغزش‌ها، تظاهرها، تقلید و حتی تخریب رمزگان فرهنگی هر دو جامعه مبدأ و میزبان، مقاومت، تشویش و اضطراب ناشی از به‌خطرافتادن هویت، حافظه فرهنگی، حس غربت، احساس دوگانگی و گفت‌وگوی مداوم گذشته و حال، وضعیت بینابینی و تشکیل مفهوم برزخ، در آثار اشاره کرد (کشمیرشکن، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۷).

در اثر «گناه» حاجی زاده به مسئله ارتباط متزلزل بین محیط‌زیست جدید و هنرمند (مهاجر) می‌پردازد. هنرمند این ارتباط جدید را شکننده، نوپا و ضعیف می‌خواند و آن را به جنبینی تشکیل شده در زهدان مادر و تلاش آن برای بقا تشبیه می‌کند. زهدان مادر نیز به یادکنکی که هر آن احتمال ترکیدن آن با کوچک‌ترین محرکی وجود دارد تشبیه شده است. همه این‌ها بازگوکننده موقعیت ناپایدار یک مهاجر در سرزمینی جدید است. در نهایت نیز به علت عواملی (مادی یا معنوی) به این مبارزه بین ماندن و رفتن پایان داده می‌شود و مرگ فرا می‌رسد. فضاهای قرمز داخل و تاریک اطراف نشان از حیات و مرگ دارند که بازگوکننده این امر است که برای هنرمند ایجاد ارتباط با محیط‌زیست حکم حیاتی دارد. اثر با نگاهی تلخ بیننده را به مضمونی اجتماعی و فرهنگی ارجاع می‌دهد.



شکل ۹. آزاده نیلچایانی، بوم‌شناسی انسانی، ویدئو، ۴ دقیقه و ۲۶ ثانیه، ۲۰۲۲. (با اجازه ویدئو از مدیر پروژه کوله

آزاده نیلچایانی: اثر «بوم‌شناسی انسانی» (شکل ۹)

آزاده نیلچایانی، هنرمند چندرسانه‌ای، آثاری در قالب هنر چیدمان، هنرهای صوتی و ویدئوآرت خلق می‌کند. همانطور که در بالا نیز بدان اشاره شد، ویژگی‌های هنر دیاسپورا ایرانی چون گفت‌وگوی گذشته و حال، توجه به حافظه فرهنگی و بازنمود عناصر فرهنگی کشور مبدأ در آثار و سپس انشای هویت (بلکه به‌صورت ناخودآگاه)، موضوع‌های مربوط به مهاجرت، وضعیت بینابینی و مفهوم برزخ، بی‌سرزمینی، اضطراب، تشویش و تردید در آثار او نیز مشاهده می‌شود.

اثر «بوم‌شناسی انسانی» نگاه هنرمند را در رابطه با محیط‌زیستش به نگرانی‌ها و دلواپسی‌های او از بقای انسان‌ها، هم در محیط اجتماعی و هم طبیعی‌شان ارجاع می‌دهد. انسان‌هایی که به دلایل مختلف امکان سازگاری با محیط‌زیستشان وجود ندارد و در پی پیدا کردن محیط‌زیست جدید در حال مهاجرت هستند. این مسئله تلاش انسان‌ها را در زیست‌بوم برای بقا خاطر نشان می‌کند و مسائلی چون جنگ‌ها، خشونت، بلایای طبیعی، فروپاشی اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی را عوامل به‌خطرافتادن زیست‌بوم انسان‌ها معرفی می‌کند.

اثر استتیک نمایشی روایتگرانه دارد؛ ویدئو با حضور مهاجرانی مظلوم و بی‌حرکت در آب‌های متلاطم شروع می‌شود و در نهایت تماشاگر بدون حضور مهاجران به ساحل آرامش می‌رسد.

پی وصف زیبایی زندگی شهری و محیط اطراف خود در فرم علامت بی‌نهایت است که کوچکی شهر هنرمند و تکرار بی‌نهایت زندگی روزمره را بیان می‌کند. در این اثر به‌رغم استفاده از رسانه معاصر ویدئو، به‌دلیل محتوا و فرم بیشتر شاهد یک استتیک هنر مدرنیستی هستیم. در این باره می‌توان به نظر کشمیرشکن اشاره کرد که می‌گوید: «... از حیث ساختاری همانند فرهنگ ایرانی به‌طور کلی، هنر نیز در طی این فرایند عناصر مدرنیته و معاصریت اروپایی‌آمریکایی را در خود جای می‌دهد؛ در حالی که جایگزین‌هایی محلی شده را نیز جست‌وجو می‌کند.» (کشمیرشکن، ۱۳۹۳، ص. ۹۷۲).



شکل ۷. الهه عبدالله زاده، زن و ماهی، ویدئو، ۱ دقیقه و ۲۶ ثانیه، ۲۰۲۲. (با

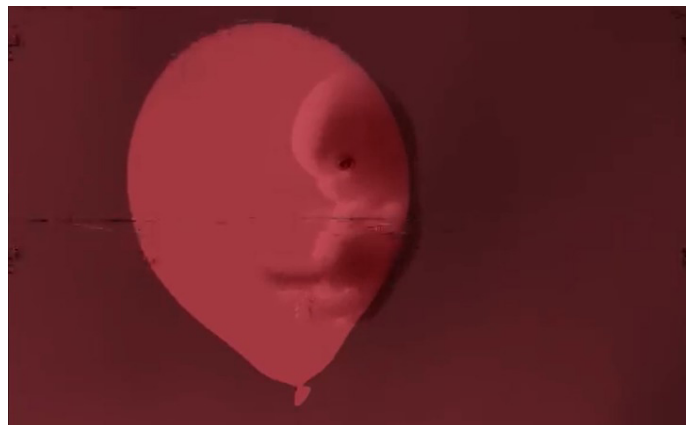
اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو

۴.۲. رابطه هنرمند با انسان / جامعه

الهه عبدالله زاده: اثر «زن و ماهی» (شکل ۷)

الهه عبدالله زاده در اثر «زن و ماهی» توجه خود را در ارتباط با محیط‌زیست هنرمند بر مسائل زنان شهرش معطوف می‌کند. هنرمند که غالب آثارش بر مسئله زنان می‌پردازد از احساس هم‌دردی او با زنان جامعه‌اش نشئت می‌گیرد. او در بندرعباس زندگی می‌کند؛ شهری که یکی از منابع اصلی درآمد آن، صید ماهی است و زنان نقش مهمی در این کار و در کارهای مربوط به آن مانند پاک کردن، تکه‌تکه کردن و فروختن ماهی‌ها ایفا می‌کنند. این شغل در آن محیط به‌قدری با هویت زنانه عجین شده که به‌هنگام مشاهده زنان، ماهی‌ها به خاطر می‌آیند؛ همچنین برعکس، ماهی‌ها نماد زنان هستند. هنرمند با ریزبینی این فرهنگ محیط زیستش را به تصویر کشیده و زنانی را در قالب ماهی‌ها و یا بالعکس می‌آفریند.

هنرمند باز بر نظر گرفتن این فرهنگ، متوجه تشابهات بسیار بین زنان جامعه‌اش با ماهی‌ها می‌شود. سرنوشت ماهی‌های شهر او با سرنوشت زنان شهرش یکسان است؛ برای آن‌ها امکان طی مسیر طبیعی در زندگی بسیار سخت است. در بسیاری از مواقع از این آزادی بی‌بهره می‌شوند، از مسیر آرزوهای خود باز داشته شده و در بند قوانین اجباری مردسالارانه جامعه قرار می‌گیرند. در نهایت مرگ آرزوها و خواسته‌هایشان با مرگ ماهی‌ها در خشکی و قطعه‌قطعه شدنشان و خشونت و تقلاد در هم می‌آمیزد و نابودی می‌شوند. هنرمند فشارهای جامعه بر زنان از جمله فرهنگ مردسالاری، قوانین رایج علیه آزادی‌های زنان، موانع فرهنگی در مسیر پیشرفت و حرکت آنان در مسیر دلخواه زندگی را مصداق خشونت‌های عربان علیه زنان می‌داند که نتیجه آن همپایه قطعه‌قطعه شدن و خفگی و در نهایت مرگ خاموش همچون سرنوشت ماهیان گرفتار است. او بیننده را با نفس کشیدن و یا حبس کردن نفس در سینه به تعامل با اثر فرامی‌خواند و به‌شماره‌افتادن قلب مخاطب به دلیل نارسایی اکسیژن، ضربان قلب به‌تپش‌افتاده زنان و ماهی‌ها در اثر را همراهی می‌کند. این امر هم به آشنایی‌زدایی از تنفس عادی که حکم زندگی برای انسان‌ها را دارد منجر می‌شود و هم این مسئله حیات و مرگ را با استفاده از روش تعامل و ایجاد همذات‌پنداری به اهمیت خواسته‌های زنان در رسیدن به آرزوهایشان پیوند می‌زند. از طرفی همراه شدن با امر و نهی در اثر برای نفس کشیدن و حبس نفس در سینه، بیننده را در موقعیت درک امر و نهی نیز قرار می‌دهد و حس اقتدار حاکم را برای بیننده تداعی می‌کند. اثر از استتیک ساده و کج و معوج و در قالب بدین‌تینگ برخوردار است که به همراه محتوای مفهومی اثر، استراتژی‌های به‌کار گرفته شده و رسانه اثر در زمره آثار هنر معاصر قرار می‌گیرد.



شکل ۸. دنیا حاجی زاده، گناه، ویدئو، ۴۶ ثانیه، ۲۰۲۲. (با اجازه از مدیر پروژه کوله ویدئو)

در بررسی جنبه تصویری و استتیک این آثار آنچه به چشم می‌خورد و از ویژگی‌های هنر معاصر نیز به‌شمار می‌رود عبارت‌اند از: استفاده از عناصر کپیج، کلاژ، عناصر حاضر و آماده^۱ و شیوه از آن خودسازی که توسط هنرمندان برای بیان منویاتشان در این آثار به‌کار گرفته شده‌اند. استراتژی‌های ایکونوکلازم و یا خالی کردن تصویر به معنای نابودی، استفاده از کنتراست‌ها و ضدیت‌ها در آثار، توجه به محتوا بیشتر از فرم‌های استتیک، به‌کاربردن استتیک‌های کج و معوج و زشت، پارازیت‌ها و صداهای ناهنجار و دلپره‌آور، موقعیت‌های بی‌زمان و بی‌مکان آخرالزمانی و تحریف، همه از راهکارهایی هستند که هنرمندان در این آثار برای نمایان کردن بحران‌های زیست‌محیط و نمایش ناهنجاری‌های موجود و در نتیجه ایجاد آگاهی برای مخاطبان و بیان انتقادی، مورد استفاده قرار می‌دهند.

از ویژگی‌های دیگر این آثار به چالش‌کشیدن حقیقت‌های پذیرفته‌شده در گذشته است؛ مانند باور بر این جهان‌بینی که انسان اشرف مخلوقات بوده و یا قالب‌های رایج فرهنگی چون مردسالاری و زن‌ستیزی در جوامع که می‌توان در این آثار با آن‌ها مواجه شد. کثرت‌گرایی، توجه به فرهنگ‌های مختلف، توجه به زنان و مهاجران و همه موجودات زنده در مقامی یکسان در بیشتر این آثار دیده می‌شود. هنرمندان در این آثار در مقام کنشگران محیط‌زیست ظاهر شده و در رابطه با محیط‌زیست به مسائلی می‌پردازند که در نگاه بسیاری به عنوان ایرادهای هنر معاصر به شمار می‌رود؛ چرا که در نظر آن‌ها هنر معاصر به مسائل تاریخی بی‌توجه است و به مسائل گذرای روز توجه می‌کند. با دقت به مضامین بیان‌شده در این آثار می‌توان دریافت که همه این مسائل روز که جوامع با آن‌ها درگیرند، چنان مسائل پیچیده‌ای هستند که سالیان سال ادامه داشته و به فجایع تاریخی تبدیل شده‌اند و ادامه آن‌ها می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر کره زمین و حیات همه جانداران بر جای بگذارد. در این رابطه این آثار از دو جنبه اهمیت بسزایی دارند؛ از طریق آن‌ها می‌توان به آگاهی از مسائل و مشکلات و یا جنبه‌های مثبت محیط‌زیست هنرمند رسید. اهمیت دیگر این آثار در حکایت‌ها و روش‌هایی است که هنرمندان در قالب آن‌ها آثار خود را ارائه می‌کنند؛ داستانهایی که حکایت از شناخت‌ها و نگاه‌های متنوع هریک از هنرمندان دارد. هر کدام از این داستان‌ها و کمپوزیسیون‌ها برای بیننده جالب و تأثیرگذار هستند؛ طوری که هیچ‌کدام از روش‌های علمی و منطقی و اطلاعات و اخبار روزمره درباره مسائل محیط‌زیست نمی‌تواند به این میزان تأثیرگذار باشد. انسان‌ها روزانه در معرض اخبار محیط‌زیست از طریق رسانه‌های مختلف قرار می‌گیرند؛ ولی هیچ‌کدام به اندازه آثار هنری باعث لذت، تخیل، همدات‌پنداری، کاتارسیس و در نهایت شناخت و اقدامی موثر در آن‌ها نمی‌شود.

Hakem Değerlendirmesi: Dış bağımsız.

Çıkar Çatışması: Yazar, çıkar çatışması olmadığını beyan etmiştir.

Finansal Destek: Yazar, bu çalışma için finansal destek almadığını beyan etmiştir.

Peer-review: Externally peer-reviewed.

Declaration of Interests: The authors have no conflicts of interest to declare.

Funding: The authors declared that this study has received no financial support.

منابع

- Altunay, D. (2013). Video Sanatında Yapı Çözümü: Araç ve Mesaj Olarak Video. İletişim, 239-234, (2/4).
Atal, T. M. (2008). Günümüz Sanat Formu Olarak Video Art. izmir.
Yılmaz, M. (2005). modernizmden postmodernizme sanat. Ankara: Ütopya Yayınevi.

اسمیت، ا. ل. (۱۳۸۴). مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های قرن بیستم؛ جهانی شدن و هنر جدید، ترجمه دکتر علیرضا سمیع آذر. (ع. س. آذر، مترجم) تهران: نشر نظر.
تقیزادگان، م. (۱۴۰۰، بهار). هنر گفتگویی و کنشگری در حوزه عمومی: محیط زیست در آثار هنرمندان کنشگر. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر (دوره سوم شماره اول)، ۱۲۱-۵۴۱.

سرانجام نوعی کاتارسیس در مخاطب ایجاد می‌شود؛ همچنین استفاده از رویکرد کنتراست و تضاد، در بودن و نبودن، رسیدن و نرسیدن، تشویش و آرامش، حرکت و سکون، رنگ‌های سرد حاکم بر فضا و رنگ گرم ساحل در طول ویدئو سعی در آشنایی‌زدایی از مفاهیم عادی و روزانه حیات و مرگ دارد. هنرمند در اثر با کدهای اشاره‌شده چشم‌اندازی بر مهاجرتهای بی‌سرانجام و به‌مقصدنرسیده دارد و با احساس همدات‌پنداری با کشته‌شدگان این راه به بازتولید موقعیتی از بی‌سرزمینی می‌پردازد؛ «انسان‌های بی‌سرزمین و سرزمین‌های بدون آن انسان‌ها».

نتیجه‌گیری

از حدود سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) در ایران تحولاتی بسیار در مفهوم هنر و ساختار زیبایی به‌وجود آمد و از این رهگذر قلمرویی گسترده و متنوع از ابزارها و روش‌های بیان هنری جدید چون ویدئو، عکس، اجراء، طبیعت و تکنولوژی‌های جدید توسط هنرمندان برای بیان اندیشه‌هایشان تجربه شد. از ویژگی‌های هنر جدید احساس مسئولیت نسبت به مسائل انسانی، اجتماعی و موضوع‌های جهانی همچون دموکراسی، محیط‌زیست، خطرات هسته‌ای، فمینیسم، تکنولوژی و بیگانگی انسان با ماشین، فجایع انسانی و اجتماعی و کشتارهای جنگ هست. (اسمیت، ۱۳۸۴، ص. ۱۰) از این میان توجه به محیط‌زیست از موضوع‌های بااهمیت در هنر معاصر ایران است که بعد از رایج‌شدن هنر جدید از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۱) در ایران به شکل هنر محیطی و از حدود سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) با رویکردهای متفاوت هنرمندان، موضوع کار هنرهای جدید چون ویدئوآرت قرار گرفت. آنچه در این تحقیق بررسی شده، مسئله محیط‌زیست در آثار هنرمندان ویدئوآرتیست در پروژه کوله ویدئو در سال ۱۰۴۱ (۲۰۲۲) است.

بسیاری از آثار تولیدشده در این رویداد رنگ و بوی انتقادی دارند؛ ویژگی بارزی که نشان‌دهنده نگرش قهرآمیز هنر معاصر نسبت به بسیاری از جنبه‌های جامعه امروز است؛ فقط این بار با تمرکز بر موضوع محیط‌زیست هنرمند. هنرمندان با نگاه تلخ و شکاکانه به بررسی زیست‌محیط از نقطه‌نظرات خود می‌پردازند. محیط‌زیست در توجه آن‌ها فقط شامل محیط طبیعی درختان و زمین و کوه‌ها نمی‌شود؛ آن‌ها جامعه، شهر، انسان‌ها، حیوانات و مسائل مربوط به آن‌ها را نیز در ارتباط با محیط‌زیست خود مورد توجه قرار می‌دهند. این هنرمندان با رویکردهای انتقادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فلسفی و روانی، به مسائل محیط‌زیست می‌نگرند و در پی مواجهه با محیط‌زیست از پرسپکتیوهای شخصی هستند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. رابطه هنرمند با طبیعت، ۲. رابطه هنرمند با زیباگان، ۳. رابطه هنرمند با شهر، ۴. رابطه هنرمند با انسان و جامعه.

رابطه هنرمند با گیاهان و طبیعت: هنرمندان در برقراری ارتباط با محیط‌زیست تمرکز خود را بر روی بحران‌های محیط طبیعی، جنگل‌ها، درختان، کوه‌ها، گیاهان، دریاها، اکوسیستم و شرایط اقلیمی معطوف می‌کنند. نقد انسان مدرن مخرب طبیعت و معمولاً نگاه منتقدانه و کنشگرانه که از ویژگی‌های هنر معاصر محسوب می‌شود از خصوصیات عمده این آثار است.

رابطه هنرمند و زیباگان: هنرمندان در ارتباط با محیط‌زیست توجه خود را بر روی حیوانات متمرکز می‌کنند و در بیشتر موارد موضوع‌هایی چون انقراض نسل حیوانات برائر اقدامات مخرب انسان مدرن، تغییرات اقلیمی، قتل حیوانات و استفاده از اعضای آن‌ها در صنعت مد و پوشاک و تست‌های حیوانی برای صنعت لوازم آرایشی و بهداشتی، استفاده بیش از نیاز طبیعی انسان‌ها به گوشت حیوانات و آلودگی‌های آب‌ها و آذین‌بردن زیستگاه‌های طبیعی آبزیان، پرندگان، حیوانات، حشرات و سایر موجودات ریز، سوزن اصلی آثار آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

رابطه هنرمند و شهر: هنرمندان در توجه به محیط‌زیست، تمرکز خود را بر روی شهر معطوف می‌کنند و به مسائلی چون معضلات گسترش شهرنشینی، گسترش بافت مدرن، از میان برداشتن محله‌ها و بافت قدیمی شهر، از بین رفتن حافظه تاریخی شهرها، نوستالژی نسبت به فرهنگ آبا و اجدادی، بی‌هویتی، اضطراب و تنش در بین انسان‌ها در نتیجه گسترش شلوغی در زندگی شهری و تخریب اکوسیستم، گسترش فرهنگ مصرفی و افزایش کارخانه‌ها و آلاینده‌ها و افزایش زباله، با رویکردی انتقادی می‌پردازند.

رابطه هنرمند با انسان / انسان با جامعه: برخی هنرمندان در توجه به محیط‌زیست تمرکز خود را بر روی رابطه با انسان‌ها و جامعه خود می‌گذارند. آن‌ها در این زمینه با نگاهی انتقادی به قالب‌های فرهنگی غلط رایج در جامعه خود همچون زن‌ستیزی، مردسالاری، تبعیض جنسیتی، نژادی، امر و نهی که در رابطه انسان‌ها تأثیر عمیقی دارند، می‌پردازند و آن‌ها را به چالش می‌کشند و از ظلم‌هایی که بر انسان‌ها از جانب انسان‌ها اعمال می‌شود سخن می‌گویند؛ همچنین مسائلی چون مهاجرت‌های انسانی در جوامع به دلایل عواملی چون جنگ، تبعیض نژادی، دینی و... خطرهای جانی در این راه و امکان بقا و سازگاری با محیط‌زیست جدید، همه موضوع‌هایی هستند که ذهن هنرمندان را در رابطه با محیط‌زیست به خود مشغول می‌کنند.

1. Ready made

فرزانه، ن. (۱۳۹۱). پاییز. بررسی نقش زوایای عکاسی در درک و دریافت هنر محیطی شماره ۵۱، ۱۳۹۸ پاییز، ص ۸۵، ۸۶. فصلنامه عملی نگره (۵۱)، ۸۵، ۸۶.
 کشمیرشکن، ح. (۱۳۹۳). هنر معاصر ایران؛ ریشه‌ها و دیدگاه‌های نوین. تهران: نظر مریدی، م. (۱۳۹۸). هنر اجتماعی. تهران: انتشارات آبان و دانشگاه هنر.
 میرخاتمی، م. آفرین، ف. (۱۳۹۱). زمستان. تحلیل مؤلفه‌ها و مسائل زیباشناسی زیست‌محیطی (در آثار کریستو- کلود، شماره ۴، ۸۹۳۱ زمستان، ص ۵۴-۱۷، پژوهشنامه فرهنگستان هنر) ۴). ملکی، ت. (۰۹۳۱). هنرنوگرای ایران (نسخه چاپ دوم). تهران: نشر نظر.
 ویلیبر، د. ن. (۱۳۸۸). باغ‌های ایران و کوشک‌های آن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
<https://www.instagram.com/p/CfwGfNxNWPS>

تهران، م. ه. (۱۳۸۱). هنر مفهومی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 سیاهمرد، ف. ب. (۱۳۹۵). مرداد ۸۱. ویدئوآرتیست‌های ایرانی در مجموعه ویدئوآرتیست. <https://www.imna.ir/news/242185/%D%88%9DB8%C%D%8AF%D%8A%6D%88%9D%8A%2D%8B%1D%8AA%DB8%C%D%8B%3D%8AA-%D%87%9D%8A%7DB8%C-%D%8A%7DB8%C%D%8B%1D%8A%7D%86%9DB8%C-%D%8AF%D%8B%-1D85%9%D%8AC%D%85%9D%88%9D%8B%9D%-87%9D%88%9DB8%C%D%8AF%D%8A%6D%88%9D%8A%2D%8B%1D%8AA%D%8B%9D%8A%7D%84%9DB8%C> adresinden alındı (E.T. 07.07.2022).
 سیری در ایران. (۱۴۰۰، آبان ۸). بازیابی از گنبد عالی ایرکوه (نخستین اثر ثبت شده استان یزد): <https://seeiran.ir/%DA%AF%D%86%9D%8A%8D%8AF-%D%8B%9D%8A%7D%84%9DB8%C> (E.T. 07.07.2022/